

۱۶- اشکال استثمار در دوران اولیه نظام

سرمایه داری: از چهره های اولیه دوره استثماری، یکی به اجبار انتقال دادن و در عمده فروشی به بردگی گرفتن سیاه پوستان غرب آفریقا، به وسیله تجار و مالکان اروپائی در آمریکا بود. خانواده و محله ها از هم پاشیده شده و هم نیروی کار و هم میزان تولید مثل این سیاه پوستان به طور تمام و کمال در کنترل برده داران درآمد. زنان برده از هرگونه آزادی در حق انتخاب برای روابط شخصی و جنسی خود محروم بوده و به عنوان تملک ارباب، مورد تجاوز و سوء استفاده آنان، قرار می گرفتند. زنان برده تمامی مسئولیت بزرگ کردن بچه ها را به تنهائی به عهده داشته، اما هیچ گونه کنترلی روی آینده آنان نداشتند. لذا تعجب آور نیست که زنان سیاه پوست، پرچم دار جنگ علیه برداری در آمریکا شدند.

برده داری آثار ناخوشایندی را در جوامع خود به جا گذاشته است، به خصوص در زمینه رشد نژادپرستی و در نتیجه، شکل گرفتن بعد سومی از ستم بر زنان سیاه پوست، زنان سیاه پوست طبقه کارگر در آمریکا و اروپا ستم سه گانه ای را متحمل می شوند.

سیستم قراردادی کار تا این حد تحت فرمان و ستم قرار داشتن را بوجود نیآورد، ولی آن هم فشار اضافی بر زنانی که به تنهائی مسئولیت خانواده را به عهده داشته و تأمین مالی نداشتند، می گذاشت. این امر به خصوص زمانی صادق بوده است که نیاز امپریالیزم فقط به نیروی کار مرد بوده است.

در قرن بیستم تأثیر مخرب امپریالیزم بر اقتصاد کشورهای نیمه مستعمره، سبب مهاجرت های کارگری در ابعاد جهانی گردید. زنانی که جزو دسته مهاجران هستند، در این میان با شکل خاصی از تبعیض و وزنه سنگینی از ستم، در کشورهای "مهمان دار" مواجه می شوند. وجود نژادپرستی و تجلی عمومی آن به شکل شوونیسم ملی، مانع از آن می شود که این زنان بتوانند از بعضی دستاوردهایی که

زنان در قلب کشورهای امپریالیستی در چهارچوب دموکراسی بورژوایی برخوردار هستند، استفاده کنند. در اغلب موارد، نژادپرستی باعث می شود که این زنان به محله های مهاجرنشین عقب نشینی کنند. در این محله ها نیز آن گاه که ایدئولوژی پدرسالاری هم غلبه نماید. موانع و مشکلات زنان را در گرفتن حقوق دموکراتیک کامل شان و حضورشان در جنبش کارگری و مبارزه برای رهایی از ستمی که بر آنان وارد می شود، بیشتر می کند. بنابراین، آنان قادر نخواهند بود تا موضوعات مربوط به "ستم بر زنان" را در درون سازمان های کارگری در کل، مطرح نمایند. قوانین اداره مهاجرت خود، تقویت کننده موقعیت زبردست بودن زنان است. زیرا که در چهارچوب ازدواج، زنان را وابسته به شوهران شان گروه بندی می کنند. فشار این ستم و زبردست بودن قانونی، مشکل مبارزه با ستم بر آنان را در محدوده محله و خانواده اشان باز هم دو چندان می گرداند.

یکی دیگر از تأثیرات منفی قوانین مهاجرت در کشورهای امپریالیستی، این است که هزاران زن را از همسران شان به دور نگه می دارند. در نتیجه نه کشوری که اهل آن هستند و نه کشوری که شوهر به آن مهاجرت کرده، هیچ کدام مسئولیت سلامت و گردش زندگی این زنان را به عهده نمی گیرند.

فشار ستم به همراه نژادپرستی موجود در جنبش کارگری و کمبود جنبش زنان در جهت حمایت دائم از خواسته های زنان سیاه پوست، باعث رشد ناسیونالیست های سیاه پوست می شود. این استراتژی خواهان جدائی مبارزات زنان سیاه پوست از بقیه کارگران سیاه پوست و جدائی از کل طبقه کارگر است.

زنان سیاه پوست البته عملاً در تاریخ، بارها و بارها از پیشروان مبارزات اتحادیه ای مبارزه برای کسب کمک های اجتماعی و مبارزه علیه نژادپرستی بوده اند.